

## ارتباط خلاقیت و عملکرد دانش آموزان در محیط آموزشی

آمنه موسوی محمدی نژاد

لیسانس زبان و ادبیات فارسی ، دانشگاه آزاد اسلامی آبادان

## چکیده

هر جنبه از روح و روان انسان ها در هر سنی نیازمند توجه است. خشم، شادی، غم و هیجان از وجوهی هستند که در صورت بی توجهی به آنها می توانند در آینده تأثیر مخربی بر زندگی و شرایط کاری انسان ها بگذارند. به راستی تعلیم و تربیت از مدرسه آغاز می شود و افراد یک اجتماع هر آنچه برای موفقیت نیاز دارند را باید از این محیط کسب کنند. آنها باید از کلاس های درس خود همکاری، مشورت، صداقت و خلاقیت را بیاموزند. علاقه و نیاز به کتاب را باید در مدرسه فرا بگیرند و اهمیت بیان ایده ها و طرح های خود بدون ترس از تمسخر را در این محیط درک کنند اما سؤال اینجاست که آیا محیط آموزشی نیز تأثیری در این موضوع دارد؟ به نظر می رسد که پاسخ مثبت است. در واقع هر چه مشارکت دانش آموزان در فعالیت های مدرسه بیشتر شود در آینده افراد آماده تری برای ورود به اجتماع خواهند بود. آنچه در ادامه می خوانید نکات کوچکی است در ارتباط با تأثیر یک محیط آموزشی خلاق بر فرایند یادگیری دانش آموزان. خلاقیت مفهومی پیچیده و در برگیرنده ابعاد مختلف علمی، فرهنگی، سازمانی و فردی است. اگر بخواهند در جامعه ای این مفهوم توسعه یابد و به شکلی پایدار تحقق یابد باید در درجه اول شرایط علمی، فرهنگی، سازمانی و فردی آن را به وجود آورند اگر شرایط لازم مناسب علمی فراهم نیاید هر نوع کوشش از نظر کیفیت و محتوا بی نتیجه خواهد ماند. همچنین اگر نتوانیم شرایط فرهنگی و سازمانی تحقق و توسعه خلاقیت را ایجاد کنیم هر چه بکوشیم و توان علمی خود را افزایش دهیم باز هم نمی توانیم به توسعه ای پایدار دست پیدا کنیم. اکثر صاحب نظران بر این باورند که اولین گام در پرورش خلاقیت کودکان به وجود آوردن شرایط مناسب در محیط خانوادگی، آموزشی است. ما در این مقاله سعی داریم ابتدا شما عزیزان را با مفهوم خلاقیت و انواع خلاقیت آشنا کنیم و سپس به ارتباط آن با مدارس و معلمان و نقش این ارکان مهم در شکل گیری خلاقیت در شخصیت کودکان بحث می کنیم امیدوارم مطالعه این مقاله بتواند گامی هر چند کوچک در جهت ارتقای کیفیت یاددهی و یادگیری نظام آموزشی کشور عزیزمان بردارد.

کلمات کلیدی: خلاقیت ، عملکرد، دانش آموزان ، ارتباط

## مقدمه:

خلاقیت موهبتی الهی است که در فکر، اندیشه، قلم، رفتار و عمل انسان جلوه پیدا می کند و اگر زمینه ی بسط، تربیت و تمرین آن فراهم نشود، از نعمتی حیاتی محروم مانده ایم. چنان که اکثر دانشمندان و محققان معتقدند: اساس قدرت انسان خلاقیت اوست. همه ی جوامع به خلاقیت نیاز دارند، زیرا رمز اصلی و اساسی پیشرفت و مانع وابستگی یک جامعه ی پویا است خلاقیت یکی از ویژگی های بارز انسان است و از دسته فرایندهای عالی مغز که نقش به سزایی در شکل گیری شخصیت، زندگی و آینده فرد بازی می کند. امروزه اکثر اندیشمندان اتفاق نظر دارند که اساس تمدن انسان بر خلاقیت نهاده شده است بنابراین بقا و تعالی هر جامعه به میزان توجه و اهمیتی که برای گسترش خلاقیت به عمل می آورد بستگی دارد. از مهم ترین عوامل رشد و توسعه هر جامعه، یافتن زمینه های بروز تفکر خلاق و یافتن نیروهای مستعد و خلاق و پرورش صحیح آنها می باشد (حسینی، ۱۳۷۸).

خلاقیت دارای عناصر تشکیل دهنده ای نیز هست. اولین عنصر قلمرو مهارت هاست که مربوط به استعداد آموزشی و تجربه در یک زمینه خاص است. افراد برای آن که در یک زمینه خلاق گردند باید مهارت لازم در آن زمینه را داشته باشند. عنصر دوم مهارت تفکر خلاق است. همه ی افراد از ویژگی های مختلفی برخوردارند که باعث می شود آنها مهارت های خود را در راه جدیدی به کار اندازند که می توان این ویژگی را با آموزش و تجربه گسترش داد. عنصر سوم انگیزه است. انگیزه میل به کار به خاطر همان کار است زمانی انگیزه ایجاد می شود که فرد آن را جذاب ببیند. محلی که این سه عنصر برخورد کند جایی است که فرد را به سوی خلاقیت سوق می دهد (حسینی، ۱۳۷۸).

مایر و وایبرگ خلاقیت را این گونه تعریف کرده اند: توانایی حل مسایلی است که فرد قبلا حل آنها را نیاموخته است (فرخ مهر، ۱۳۸۴). پس به طور کلی خلاقیت یعنی فکر کردن به مسئله و حل کردن آن به گونه ای که دیگران به آن نگاه نکنند. عوامل خلاقیت را می توان به دو دسته ی کلی، فردی و اجتماعی تقسیم کرد. آمابیل در نتایج پژوهش بسیار وسیعی که در مصاحبه از دانشمند به عمل آورد از این تقسیم بندی استفاده کرد. بعضی از عوامل محیطی خلاق که در نتیجه این مصاحبه به دست آورد عبارتند از: - آزادی - منابع کافی - وقت کافی - جو مناسب - طرح - تحقیق مناسب فشار (که گاهی همین فشار باعث بروز خلاقیت شده است) هم چنین عوامل فردی از دیدگاه این دانشمندان عبارتند از:

- ویژگی شخصیتی متنوع - خود انگیزی - توانایی های شناختی خاص - تمایل به خطر کردن - تخصص در رشته - تجارب متنوع از مهم ترین عوامل فردی به هوش، ویژگی شخصیتی و انگیزه درونی می توان اشاره کرد از عوامل اجتماعی، خانواده و مدرسه به عنوان عامل اصلی در تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی می توان اشاره کرد. تجربه و آموزش هم که جز عوامل اجتماعی است می تواند به عنوان انگیزه بیرونی در رشد خلاقیت موثر است نام برد. بعضی از صفات مهم افراد خلاق عبارت است از: الف) خودنظمی در کار ب) پشتکار در مواجهه با شکست ج) استقلال د) تحمل ابهام ه) تمایل برای پذیرفتن خطر (حسینی، ۱۳۷۸).

ایجاد فرصت برای پرورش خلاقیت برای هر جامعه به منزله مرگ و زندگی است در حال حاضر که جهان پر شتاب و نوگراست پس چاره ای جز پرورش خلاقیت و شناسایی افراد خلاق که ضامن حیات و ماندگاری مامی باشد نیست (محبی، ۱۳۸۵). خلاقیت و نوآوری مهم ترین اسلحه بشر است که می تواند با استفاده از آن بر مشکلات و سختی های روزگار فائق آید. حال اگر عادت ها رانشکنیم و مانند قبل عمل کنیم و در محدودهی مقررات و قوانین وضع شده که به ما یاد داده اند عمل کنیم، روزی می رسد که ما دچار ناامیدی و یاس خواهیم شد پس باید از قوانین قدیمی الهام گرفته و به مسائل نو و بادیید انتقادی بنگریم، آن جاست که متوجه می شویم که آن چه را می دانستیم در موقعیت جدید با نگاهی نو به کار گرفته ایم (محبی، ۱۳۸۵). هر چند توانایی تفکر خلاق به طور بالقوه و به نحو فطری در انسان به ودیعه نهاده شده است اما ظهور آن مستلزم پرورش است. تورنس معتقد است که انسان برای بقا نیازمند است که قدرت خلاق کودکان را توسعه و مورد استفاده قرار دهد (حسینی، ۱۳۷۸).

محققان معتقدند همه انسان ها در کودکی از استعداد خلاق برخوردارند لکن عدم وجود محیطی مناسب و بی توجهی و عدم تقویت این توانایی مانع ظهور آن می گردد. بچه ها در مدرسه مدت زمانی را سپری می کنند و تجربه های مدرسه نقش اساسی در خلاقیت آن ها در آینده دارد (خلیلی، ۱۳۸۲).

تصور کردن، تنوع در اندیشیدن، یافتن راه حل های تازه، درک روابط میان پدیده ها، شناخت ابعاد مختلف موضوع و... دانش آموزان را در رسیدن به سطح بالای تفکر، یعنی تفکر خلاق یاری می دهد. (فرخ مهر، ۱۳۸۴)

رنزولی نظریه جالبی را در رابطه با عوامل موثر در پرورش خلاقیت در مدرسه ارائه می دهد. سه عنصر اصلی نظریه او عبارتند از: معلم، دانش آموز، برنامه درسی، ترکیب مناسب این سه عنصر منجر به یادگیری موثر و خلاق خواهد شد (حسینی، ۱۳۷۸).

معلم که از انگیزه خلاق برخوردار است، هم خود الگویی برای خلاق بودن است و هم فرایند خلاقیت را تقویت می کند چنین معلمی به دانش آموز آزادی لازم را داده تا خود کشف کند. اوفرت را در اختیار دانش آموز داده تا کنجکاو باشد و بپرسد و با عشق و شادی او را مشوق خواهد بود در چنین شرایطی دانش آموز احساس امنیت کرده و نگران از اظهار نظر و پرسیدن نیست، در چنین کلاسی معلم در کنار دانش آموز است و او را هدایت می کند. استفاده از روش ها و الگوهای فعال تدریس دانش آموز را کمک می کند تا منفعل شود و او را در رسیدن به خلاقیت یاری می نماید.

برنامه های درسی فشرده، حجم مطالب زیاد و عدم تسلط معلمان به شیوه های جدید و تکنولوژی جدید می تواند از عواملی باشد که مانع خلاقیت دانش آموزان شود. هم چنین غیر استاندارد بودن فضاهای آموزشی جهت اجرای روش های فعال کارهای گروهی نیز می تواند جز عواملی است که می تواند مانع خلاقیت شود. آموزگاری که خود از ایده های جدید و سوالات غیر معمول واهمه دارد و خود خلاق نیست و سعی می کند آموزش را تکراری و طبق عادات روزانه انجام دهد و برای همه ی دانش آموزان بدون توجه به تفاوت های فردی یک دستور را تجویز می کند و سنت شکنی را مجاز نمی داند و معتقد است با تکرار و تمرین بچه ها یاد می گیرند نه تنه در مورد خلاقیت دانش آموزانش گامی برنداشته بلکه مانع رشد و پرورش آن نیز خواهد بود بنابراین برای داشتن جامعه ای پویا و فعال نمی توان از نقش و جایگاه آموزش و پرورش به خصوص مدرسه به راحتی گذشتودر تشخیص و پرورش کودکان مستعد و خلاق و ایجاد انگیزه نقش مهمی دارد. پس لازم است معلمان به عنوان پرورش دهندگان خلاقیت از نظر عاطفی، آموزشی و.. مواردی هم چون تشویق، استفاده از روش های فعال و.. را استفاده کنند تا بهتر بتوانند به خلاقیت برسند. لازمه ی داشتن جامعه ی فعال، داشتن کودکان فعال و کنجکاو است که به هر چیز نگاه کند، فکر کند و ببیند چه کاربردهای دیگری برای هر چیز وجود دارد و از چه راه های دیگر می توان مشکلات و مسائل را حل کرد و اگر این امر مورد توجه قرار نگیرد در زمان خود همراه تغییرات جهان پیشرفت نکند و در برابر تغییرات مقاومت کند مانند این خواهد بود که انسان بالغ بخواهد از لباس نوزادی خود هم اکنون استفاده کند که این امر غیر ممکن است. پس باید انسان همگام با تغییرات حرکت کند و نباید خود را به قضا و قدر بسپارد و بگوید هر چه شد با باد باد برای پرورش خلاقیت باید محکم استوار گام برداریم، گاهی به عقب بنگریم تا ببینیم کجا بودیم و الان کجا هستیم ولی نباید عقب گرد کنیم که این عامل مانع پیشرفت خلاقیت و نوآوری خواهد بود. هدف از پژوهش حاضر به بررسی راه های شناخت و پرورش خلاقیت در کودکان ابتدایی پرداخته تا قدمی جهت بهبود جامعه ی خلاق و توانمند برداشته شود.

### تعریف خلاقیت

مثل هر مفهوم نظری و انسانی دیگر، تعریف خلاقیت نیز تابع گرایشات و برداشت های شخصی و مکتبی صاحب نظران است که در مجموع مشابه به نظر می رسند. بمنظور جلوگیری از طولانی شدن بحث، ذیلا به ذکر تعاریف خلاصه چند تن از مشاهیر زمینه تحقیقات و منابع علمی خلاقیت اشاره می گردد.

- فرهنگ توصیفی اصطلاحات روانشناسی: "تفکر خلاق تفکری است که مشخصه اصلی آن توانایی کنار گذاشتن فرض های غیر لازم و زایش افکار اصیل است" (برونو، ۱۳۷۰، ص ۸۲)

- استیفن رابینز (۱۹۹۱): "خلاقیت به معنای ترکیب ایده ها در یک روش منحصر به فرد یا ایجاد پیوستگی بین ایده هاست" (طالب زاده و انوری ، ۱۳۷۵ ، ص ۲)
- استین ، پارس و هاردینگ (۱۹۶۲): "خلاقیت همان چیزی است که به ایجاد یک کار جدید منجر می شود ، که در زمانی به عنوان یک چیز قابل دفاع یا مفید یا خشنود کننده مورد قبول گروه قابل توجهی قرار گیرد."
- مدنیک (۱۹۶۲): "خلاقیت عبارت از سازمان دادن به عناصر همخوانده به صورت ترکیبهای جدیدی است که به خواسته های خاص پاسخ می دهند یا اینکه به گونه ای مفید هستند ."
- فاکس (۱۹۶۶): "فرآیند خلاق به هر نوع فرآیند تفکری گفته می شود که مساله را به طریق مفید و بدیع حل کند."
- هورلاک (۱۹۸۲): "خلاقیت در واقع همان شکل کنترل شده تخیل است که منجر به نوعی ابداع و نوآوری می گردد."
- استرنبرگ (۱۹۸۹): " خلاقیت ترکیبی از قدرت ابتکار، انعطاف پذیری و حساسیت در برابر نظریاتی که یادگیرنده را قادر می سازد خارج از نتایج تفکر نامعقول به نتایج متفاوت و مولد بیندیشد که حاصل آن رضایت شخصی و احتمالاً خشنودی دیگران خواهد بود" (کفایت ، ۱۳۷۳ ، ص ۶۲ و ۶۳).
- لوتانز (۱۹۹۲): "خلاقیت به وجود آوردن تلفیقی از اندیشه ها و رهیافت های افراد و یا گروهها در یک روش جدید، است" (انوری ، ۲۰۰۷ ، ص ۲).
- فرانکن (۲۰۰۵): "خلاقیت رویکرد خلق یا تشخیص ایده ها و احتمالاتی است که در حل مسئله یا در ارتباطات انسانی و سرگرم کردن خود و دیگران مفید است" وی اضافه می کند که برای خلاق بودن ، افراد باید قادر باشند که مسائل را از دیدی تازه بنگرند ، احتمالات و جایگزینهای بدیع خلق نمایند ( همتی ، ۱۳۸۷ ، ص ۹).
- هالپرن: خلاقیت توانائی شکل دادن به ترکیب تازه ای از نظرات یا ایده ها برای رسیدن به یک نیاز یا تحقق یک هدف می باشد) "سایت فکر نو ، به نقل از نگین برات ، ۱۳۸۲، ص ۱)
- تورنس (۱۹۷۳): "خلاقیت عبارت است از حساسیت به مسائل ، کمبودها ، مشکلات و خطاهای موجود در دانش ، حدس زدن ، تشکیل فرضیه هایی در باره این کمبودها ، ارزشیابی و آزمایش این حدسها و فرضیه ها و احتمالاً اصلاح و آزمودن مجدد آنها و در نهایت نتیجه گیری ." تورنس که تحت تاثیر چهارچوب نظری گیلفورد است خلاقیت را مرکب از چهار عامل اصلی می داند که عبارتند از:
  - ۱- سیالی ۶: توانائی تولید تعداد بی شماری ایده در قالب تصویر با فرض پاسخ و عقیده در مورد آن . ۲- ابتکار ۷: توانائی تولید ایده هایی که از ایده های عادی و رایج متفاوت است .
  - ۳- انعطاف پذیری ۸: توانائی تولید انواع گوناگون و متنوع ایده ها در قالب تصویر وارائه راه حلهای نو. ۴- بسط ۹: توانائی اضافه کردن جزئیات یا تکمیل ایده های تصویری ( کفایت ، ۱۳۷۳ ، ص ۶۹).
- به زبان ساده می توان گفت : "خلاقیت عبارت است از بکارگیری توانائیهای ذهنی برای ایجاد یک فکر یا مفهوم جدید ." از مضامین بکار گرفته شده در تعاریف فوق چنین برمی آید که اولاً ماهیت خلاقیت به چگونگی تفکر انسان و نتیجه آن بستگی دارد و ثانیاً مشتمل بر یافتن راهها و روش های جدید و موثرمی باشد. بنابراین بدون وجود سه ویژگی اساسی:
  - ۱- ذهنی بودن ۱- ۲- نوبودن ۲- ۳- موثر بودن ۳

نمی توان لفظ خلاقیت را بر یک فرآیند و فعالیت ذهنی و یا عملکرد اطلاق نمود . درحقیقت ، از آنچه که ما به عنوان خلاقیت و تفکر خلاق ۴ از آن نام می بریم شامل یک فرآیند ذهنی و نتیجه نوع فکرا انسان است یعنی چیزی که چگونگی فعالیت فکری فرد و نتیجه آن است بعبارتی خلاقیت تفکری است که شامل نگرش نو و ایده های بکر می باشد. بدیهی است خلاقیت مثل هر مفهوم دیگر ذهنی ، تعاریف مختلفی از اصطلاح خلاقیت ارائه شده است. پیچیدگی و دشواری شناخت ماهیت ، تعریف و کارکرد خلاقیت ، بیشتر ناشی از ماهیت غامض کنشهای مغزی است. در اینجا با تاکید مجدد به این حقیقت که افراد خلاق واجد خصوصیات متفاوت و گاه متضاد با سایر افراد می باشند رئوس مهم ویژگیهای افراد خلاق را که در منابع مختلف آورده شده ذکر می کنیم :

- ۱- میل به استقلال و خودپرویی ۲- قدرت تخیل و رویا پردازی ۳- مشورت با دوستان تا والدین ۴- ارتباط نسبتا سرد عاطفی با والدین
- ۵- همانند سازی با غیر هم جنس ۶- اجتناب از وقت گذرانی ۷- میل به مطالعه، نقاشی و شعر گفتن ۸- بی زاری از دروسی مثل ریاضی ۹- شوخ طبعی و بی نظمی نسبی ۱۰- ناسازگاری و تطابق مشکل ۱۱- ابهام پذیری و تحمل پیچیدگی ۱۲- پشتکار داشتن و فعال بودن ۱۳- تحمل ناکامیها و خستگی ناپذیری ۱۴- انگیزه درونی قوی ۱۵- ریسک پذیری و انعطاف ۱۶- اعتماد به نفس و جسارت ۱۷- بی اعتنائی به پاداش ، نام و نشان ۱۸- میل به ناشناخته ماندن ۱۹- بی میلی به تعریف و تمجید ۲۰- میل به آزادی و فرار از محدودیت
- ۲۱- مهارت کلامی قوی ۲۲- توجه به ارزشها نه قوانین ۲۳- نیل به دستاورد نه نتیجه و... (پیر خایفی ، ۱۳۷۷، ص ۱۴ و ۱۳) و (کولدروی رو ، ۲۰۰۱، ص ۸)

## نقش ویژه مدارس در پرورش خلاقیت

حسب نظر افلاطون وظیفه مهم آموزش و پرورش و مدارس تبدیل "بودنهای محدود" انسان به "شدنهای نامحدود" است همچنین سقراط هدف آموزش را در ایجاد نیاز به دانستن ، نه ارائه دانسته ها تلقی می کرد ( موید نیا ، ۱۳۸۴، ص ۱۶۸) . مفهوم این سخنان تأیید وجود استعداد فراوان ظاهرا پوشیده در ذات انسان است . در دنیای امروزی ، مسئولیت خطیر این فرآیند در درجه اول متوجه مدارس می باشد. " پرورش استعدادها و کمک به تقویت خلاقیت " جزو اهداف رسمی و سیاستهای تعریف شده وزارت آموزش و پرورش کشورمان است . در اصل ۲۵ کلیات نظام آموزش و پرورش مصوب شورای تغییر بنیادی نظام آموزش و پرورش (۱۳۶۷) تحت عنوان پرورش توان تفکر، نقد و ابتکار آمده است :

" در تدوین و اجرای برنامه های آموزشی و پرورشی باید از شیوه هایی استفاده شود که توان تفکر ، تحلیل ، نقد ، تحقیق ، ابتکار و خلاقیت را تقویت کند و زمینه مناسب برای خودآموزی دانش آموزان را فراهم نماید . برنامه ریزی درسی باید بگونه ای باشد که به دانش آموزان مجال تفکر داده شود و آنان را به اندیشیدن و تفکر ترغیب نماید ... تعلیمات باید بگونه ای باشد که در دانش آموزان رشد فکری و قوه تجزیه و تحلیل را تقویت کند ... در تنظیم محتوی و مواد درسی و تدریس باید از شیوه های استفاده شود که متکی بر مشارکت فعال دانش آموزان در درس و بحث باشد و به آنان فرصت کافی جهت ارائه یافته های خود ، راه حلهای مختلف برای حل مسائل و شیوه های ابتکاری داده شود ... و از جاذبه اینگونه فعالیتها جهت پرورش روح، تفکر و تحقیق در دانش آموزان استفاده شود ... در برنامه های تربیت معلم ، روشهای پرورش استعداد ، ابداع و خلاقیت به معلمین در مراحل مختلف تحصیلی تعلیم داده شود ( کفایت ، ۱۳۷۳، ص ۴) . شانس مدرسه به ویژه مقطع ابتدائی از آن جهت است که سنین مهم خلاقیت ( ۷ تا ۱۱ سالگی ) را در برمی گیرد (سایت اینترنتی آفتاب ، ۱۳۸۷، ص ۲) . بدیهی است اصولا مدارس باید مسئولیت اجرای این اهداف و سیاستها را به عهده داشته باشند. اینکه ساختار، برنامه ها و روشهای جاری در سازمان آموزش و پرورش تا چه حد با آن هماهنگ و سازگار است موضوع تا حدود زیادی زیر سوال است . تلقی عمومی متخصصین و کارشناسان موید ناکارآمدی سازمان آموزش و پرورش در این راستا می باشد بطوریکه کمتر خوش بینی وجود دارد که مدارس بتوانند کمک هدفدار و برنامه ریزی شده ای به رشد و شکوفائی



استعدادهای خلاقانه کودکان بنماید. افکار عمومی جامعه نیز کم و بیش در تائید چنین ذهنیتی است. در یک تقسیم بندی کلی عوامل محیطی مانع بروز خلاقیت در مدرسه عبارتند از: جو حاکم مدرسه، مواد و محتوی آموزشی و نقش معلم.

تورنس طی تحقیقات خود دریافت که با توسعه دانش (تاکید به افزایش اطلاعات با تاکید بر حفظیات)، قدرت قضاوت و قدرت تصور به محدود شدن گرایش می یابد ریوت در توضیح این معادله می گوید قدرت تصور سریعتر از قدرت استدلال رشد می کند، بنابراین وقتی استدلال، سیر صعودی طی می کند، تصور به زوال می گراید آموزشهای رسمی مدرسه نیز، عمدتاً به رشد استدلال تاکید می کنند تا رشد تصور. در نتیجه با گذشت زمان و بزرگ شدن کودکان، خلاقیت آنان نیز قربانی استدلال، منطق و عادات می گردد و در عمل تحصیل علم و تجارب مانند عوامل بازدارنده ای فکر دانش آموزان را به جمود می کشاند (سعیدی، ۱۳۸۱، سایت مجله علمی - آموزشی فرهنگ و پژوهش، ص ۱). به گفته بل والاس در کلاسهای درس خلاق، فکر بیش از حافظه ارزش دارد و معلم تعادلی بین امنیت روانی و آزادی دانش آموزان برقرار می می سازد تا آنها بتوانند ریسک کنند در چنین کلاسهای، معلم هدایتگر و تسهیل کننده فرآیند یادگیری دانش آموزان می باشد در حالیکه در کلاس غیر فعال معلم مقتدر، در بند زمان و غیر حساس به نیازهای احساسی دانش آموزان و مقید به نظم دادن اطلاعات است (موید نیا، ص ۵۹). وجود و تداوم مسائلی چون تاکید بر سطوح اولیه حیطة شناختی و محفوظات، تکالیف زیاد، عدم توجه به تفاوتهای فردی، کلاسهای پرجمعیت، انضباط سخت، برنامه و ساعات درسی غیرقابل انعطاف، عدم آشنائی کافی معلمان با ویژگیهای دانش آموزان خلاق، روشهای تدریس سنتی، معلم محوری، تاکید زیاد بر ارزیابی و نمره، ارجحیت موفقیت تحصیلی، فشار برای هموائی، تلقی سکوت و کم تحرکی به ادب، غالب بودن جریان تفکر همگرا، عدم تجهیز منابع و امکانات و... همه بعنوان مصادیق موانع بروز خلاقیت دانش آموزان محسوب می شوند.

جان دیوئی متفکر بزرگ مسائل تربیتی اعتقاد دارد "مدرسه باید خود انگیختگی دانش آموزان را تشویق کند. کار مدرسه نباید آموزش تبعیت و فرمانبرداری باشد بهتر است مدرسه فقط مقررات را محور کار قرار ندهد تا دانش آموزان فرصت بروز خلاقیت خود را داشته باشند." در حالیکه امروزه ایده های نو کودکان به واسطه غیر معمول بودن مورد بی اعتنائی و چه بسا مورد استهزاء قرار گرفته و سرکوب می شود. جو انعطاف پذیر مدرسه، شرائط حل بسیاری از مشکلات مورد نظر را فراهم می کند کودکان باید در فعالیتهای کلاسی، انجام تکالیف و... از آزادی نسبی برخوردار شوند البته این موضوع نافی ضرورت استقرار نظم و انضباط نیست چراکه مطابق اصول علمی، هرهدف آموزشی می تواند در کلیات تابع نظم و در جزئیات تابع انعطاف باشد. در این صورت هم معلم و هم دانش آموزان، احساس امنیت داشته و با اعتماد به نفس به انجام فعالیتهای خلاقانه می پردازند.

مواد و محتوی آموزشی نیز به سهم خود از اهمیت بالائی برخوردار است. امروزه در سیستمهای پیشرفته آموزشی هدف "چگونه یاد گرفتن" و "چگونه فکر کردن" جایگزین "چه یاد گرفتن" شده است. آشکار است وقتی چه یاد گرفتن مهم است عمدتاً با کمیت و انباشت اطلاعات در ذهن دانش آموزان مواجه شویم غافل از اینکه به کاربرد و مفید آن توجه داشته باشیم. اثربخشی مطالب آموزشی بصورت داشتن ارتباط با نیازها، توانائیها، تفاوتهای فردی و دانش پیشین دانش آموزان، موجب ایجاد پیوند عاطفی و شناختی بین فرد و برنامه درسی می گردد. براین اساس نامطلوبترین وضعیت، شرائطی است که ارزیابی ذهنی دانش آموز از این لحاظ کم اهمیت باشد یعنی تصور نکند که یادگرفتن و یاد نگرفتن مطالب آموزشی یکسان نیست. فراهم آوردن فرصت یادگیری چندگانه (نظری، عملی، مهارتی و...) و بهره مندی از توانائیهای مختلف حسی و مدرنیزه کردن روشهای آموزش با استفاده از بسته های آموزشی (کتاب درسی، کتابها و وسایل کمک آموزشی، سوالات ارزشیابی و راهنمای درسی و...) از جمله موارد قابل توجه در مورد جو حاکم بر مدارس می تواند باشد. معلمان بعنوان موثرترین و کارسازترین مولفه نظام تعلیم و تربیت نیز در فرآیند یاددهی و یادگیری و ایجاد تفکر خلاق در دانش آموزان دارای نقش اساسی هستند. شخصیت و خلاقیت خود معلم و نگرش وی نسبت به موضوع، شیوه تدریس، سبک اداره کلاس، در پرورش تفکر خلاق و انتقادی در دانش آموزان بسیار مهم است بطوریکه اثر هیچ عامل دیگر حتی برنامه درسی و مدیریت با تاثیر نقش معلم برابری نمی کند چرا که تاثیرگذاری آن هم مستقیم و هم غیر مستقیم است (فلاح، سایت اینترنتی همشهری آنلاین). متأسفانه هنوز نظام آموزش و پرورش کشورمان تا حدود زیادی معلم محور است چنین روشی

جزو شیوه های غیر فعال آموزش طبقه بندی می گردد. در شیوه غیرفعال دانش آموز مصرف کننده علم و دانش است تا تولید کننده آن. اندیشه ورزی جایگزین اندیشه آفرینی است. ایوان ایلچ ۱ وضع چنین مداری را اینگونه توصیف می کند " هنگامی که در مدارس باز می شود در آموزش و پرورش بسته می شود" ( کریمی ، ۱۳۷۸ ، ص ۴۶ و ۴۷). لاجرم می بایست روشهای سنتی و قدیمی آموزشی باید پیوسته جای خود را به روشهای نو و خلاقانه بدهند که در آن خیلی از چیزها از جمله محتوی کتابها ، نگرشها و روشها می بایست تغییر بیابند و دانش آموز و توجه به رشد استعداد های فردی محور کار باشد . تحقیقات تورنس ، البیرخ ، آرتوا ، کارین ، والاس و رابرت نشان داده است که نقش مثبت معلمان خلاق و روشهای فعال تدریس در رشد قوای خلاقانه دانش آموزان موثرتر است ( غنی زاده ، ۱۳۸۷ ، ص ۷۴). سیروتینیک و کلارک ۱ ( ۱۹۹۸ ) با اذعان به نقش ویژه مدرسه در آموزش خلاقیت می گویند " فرصت نهائی برای هر گونه تغییر و اصلاحی در آموزش و پرورش در دست ، مغز و قلب کسانی است که در مدرسه کار می کنند ) " موید نیا ، ۱۳۸۴ ، ص ۲).

### تاثیر متقابل ۲ معلمان - شاگردان و خلاقیت

شهید مطهری می فرمایند " ستایشگر معلمی هستیم که نه اندیشه ها ، بلکه اندیشیدن را به من آموخت " بقول شارتیه " هنر معلم تشنه کردن ذهن متعلم است تا او خود نخجیر خود را شکار کند" روسو نیز می گوید " اجازه دهید کودک حقایق را کشف کند اگر اطلاعات را جانشین آن نمائید استدلال نخواهد کرد) " مویدنیا، ۱۳۸۴ ، ص ۱۶۸). برخی از دانش آموزان به داشتن ایده های عجیب و غریب و حتی ظاهرا احمقانه و شیطنت آمیز علاقه دارند و متمایل به ابراز عقاید غیرمعمول هستند بازی، تفریح و شوخی کردن را دوست دارند از تحجر و انجماد فکری گریزان هستند همه اینها ، علائم استعدادهای خلاقانه است ولی برای معلم ممکن است نشانه های ناسازگاری باشد که نیاز به کنترل دارد سالها می گذرد تعدادی از این دانش آموزان خلاقیت فوق العاده ای از خود نشان داده و موفق می شوند . کلاس درس صحنه وحشتناکی برای سلطه جویی است . یکی از دلایل اساسی این ادعا ، اصرار اغلب مدیران مدارس است که معلمان صرفنظر از هر چیز ، باید بر کلاس خودشان تسلط داشته باشند . کنترل کردن دیگران هرچقدر هم که با خوش بینی همراه باشد ، افراد بشر را به سطح اشیاء تنزل می دهد . در شرایط کنترل ، میل به نافرمانی و مبارزه زیادتر می شود ... بسیاری معلمان عاجز از برقراری ارتباط سالم ، به سلطه جویی متوسل می شوند. اخراج از کلاس ، ارسال گزارش بد رفتاری دانش آموز به خانواده ، فراخوانی والدین ، جدا کردن از دیگران ، جابجائی ، سرپا نگه داشتن ، در گوشه کلاس قرار دادن ، فرستادن به دفتر، نشان دادن در صف جلو ، ایجاد احساس گناه و... همه روشهای سلطه جویانه ، منفی و کنترل کننده هستند کارکرد این روشها به جای پرورش خلاقیت ، دانش آموزان را به جانب هم رنگی ۳ سوق می دهد . این روش بنا به قول اشتاینر در تضاد با هدف تربیتی رها کردن فرد از هم نوائی و هم رنگی است . تاسف در این است که اینگونه رفتارهای سلطه جویانه از طرف معلم به جای آنکه سازندگی ، نوآوری و کارایی را تشویق کند شاگردان را به نقطه مقابل این خصایل می کشاند . این تناقض عظیم یادگیری مدرن است و متأسفانه راه حل ساده ای هم برای رفع آن وجود ندارد . معلم و شاگرد هر دو موجود و انسان پیچیده ای هستند که در دنیای سلطه جویی انسان متمدن زندگی می کنند ... ارزیابیها حاکی است هر سال علاقه شاگردان به مدرسه کمتر می شود . آیا احتمال دارد مدرسه جالب بودن خودش را از دست بدهد؟ آیا محیط خارج جذابتر است ؟ آیا معلمان نمی توانند مطالب را به شکل جالب ارائه دهند ؟ متأسفانه شواهد در تائید عجز معلمان از این توانائی است ... معلم سلطه جو فقط به موضوع درس و نتیجه توجه دارد سوال ، اظهار نظر و علائق دانش آموزان را کودکانه ، احمقانه و بی اهمیت می داند اگر معلم از اعتماد به نفس برخوردار باشد می تواند به رشد شخصی شاگرد کمک کند . درک کردن ، احترام گذاشتن و تشویق کردن سوالات کودک ، علائق ناشگفته او را به جانب خویشتن سازی سوق می دهد . پاسخهای سلطه جویانه که بنام کنترل خوانده می شوند در را به روی شاگرد می بندد ، مکالمه را قطع ساخته و از رشد کودک جلوگیری می کنند... تدریس هنگامی شاگردان را در نیل به خویشتن سازی یاری می کند که برمدارعلاق شاگرد و معلم استوار بوده ، آشکار سازی کامل احساسات و افکار شاگرد را تشویق کند ، سوالات شاگردان و پاسخ به آنها به خوبی و با مهارت برگزار شود و به آشکار سازی کامل افکار و احساسات معلم نیز منجر گردد( شوستروم ، ۱۹۶۷ ، ص ۱۳۹ - ۱۳۱ ).

### راههای آموزش و پرورش خلاقیت

هرچند فرض می‌شود که همه انسانها ذاتا دارای استعداد ارزشمند ابداع و نوآوری هستند لکن میل عمومی در میان انسانها به سمت تقلید است. ماکیاول (۱۵۳۲) نظریه پرداز مشهور علم سیاست در کتاب "شهریار ۱" می‌گوید "مردم پیوسته در راههایی گام برمی‌دارند که دیگران هموار کرده‌اند و در کارهای خویش راه تقلیدی پیوند چون نوآوری کار سختی است" وی نهایتا انسانها را به داشتن نیروی سازنده ای بنام ویرتو ۲ دعوت می‌کند که منشاء خلاقیت و توانائی سرشار مردان بزرگی چون موسی، کوروش، رومولوس و تسه ثوس بوده است (آهنی، ۱۳۸۷، ص ۶). براین اساس چشم انداز یادگیری و پرورش راههای بروز خلاقیت چندان امیدوار کننده نیست. لکن تحقیقات تخصصی و نوید بخش فراوانی وجود دارد که خوشبختانه قابلیت یادگیری و پرورش استعداد نوآوری و ابداع در نزد انسانها بویژه دانش آموزان را تأیید می‌نماید. طی سالهای اخیر به اهمیت آموزش و تجربه در برابر وراثت تأکید بیشتری شده است. تجربه عنصری است که قادر به اعمال کنترل بیشتری بر آن هستیم. در حالیکه ما نمی‌توانیم اجداد خود را انتخاب کنیم و یا فرهنگ ویژه خود را تغییر دهیم. ما قادریم با آگاهی نسبت به تاثیر مثبت و یا منفی تجربه‌ها، از آنها در تصحیح رفتار خود نسبت به سایرین بهره بگیریم (بنی جمالی و احدی، ۱۳۷۰، ص ۱۶).

تورنس (۱۹۷۳) بعنوان یکی از نامدارترین نظریه پردازان حوزه خلاقیت می‌گوید: "من طی ۱۵ سال تجربه مطالعه و آموزش تفکر خلاق و کار با کودکان، شواهدی دیده‌ام که نشان میدهد خلاقیت را می‌توان آموزش داد" (حاجی دخت، ۱۳۸۷، ص ۵۴). کودکان خلاق و مبتکر به دنیا می‌آیند، آنان خلاق تر از بزرگسالان هستند زیرا مغزشان هنوز در مجموعه راه و روشهای معمول مشاهده‌ی مسائل حبس نشده است یا تحت فشار پیروی یا اجبار منطقی قرار نگرفته‌اند. ادوارد دو بونو نویسنده مشهور عرصه خلاقیت کتابی دارد تحت عنوان "کودکان مسائل را حل می‌کنند" وی در این کتاب راههای آموزش و پرورش خلاقیت کودکان را ذکر کرده است (هارتلی، ۱۹۸۸، ص ۲۵۳). انیشتین با انتقاد از مدرسه‌ای خشن و نظامی در مونیخ که شاگرد آن بود می‌گفت "یادگیری و خلاقیت را نمی‌توان با فشار تشویق کرد اجبار موجود در آن مدرسه چنان اثر بازدارنده‌ای بر من گذاشت که پس از قبولی در امتحانهای نهائی برای یک سال، دیدن هر نوع مسئله علمی برایم ناگوار بود." خوشبختانه اکثر تحقیقات علمی اخیر بر آموزش پذیر بودن امر خطیر خلاقیت تأکید داشته‌اند.

فلدهوسن و همکارانش می‌گویند پاسخ به این سوال که خلاقیت را می‌توان آموزش داد؟ مثبت است. براین اساس روشهای موثری برای آموزش خلاقیت به کودکان کشف و ارائه شده است. یکی از برگزیدگان جشنواره خوارزمی در سال ۱۳۸۵ بنام مهدی شاملومقدم که با ارائه "طرح سیستم یکپارچه کتابخانه دیجیتالی" رتبه دوم کشوری را بدست آورده بود اعتقاد دارد "رمز موفقیت من بی‌توجهی به کلیشه‌ها و وقت گذاشتن روی کارهای فوق برنامه است سعی می‌کنم خیلی جوگیر محیطی که در آن هستم نشوم حتما لازم نیست کاری کنید که همگان انجام می‌دهند هرکسی سرنوشت خودش را دارد بایدفهمید کجا استعدادها بیشتر شکوفا می‌شود تا بتوانید موفق شوید(روزنامه جام جم ۱۳۸۶/۰۳/۲۱). روانشناس مشهور ژان پیاژه ۱ می‌گوید "هدف اصلی آموزش و پرورش، آفرینش انسانهای توانا به انجام دادن کارهای نو و انسانهایی خلاق و نوآفرین و کاشف است. رابرت کوپر معتقد است وظیفه آموزش و پرورش فقط آشنا کردن دانش آموزان با حقایق نیست، بلکه آموزش و پرورش مسئولیت دارد به آنان کمک کند به منحصر به فرد بودن خود پی ببرند، راه رشد و گسترش استعدادهای خود را بیاموزند. (موید نیا، ۱۳۸۴، ص ۱۶۸).

درجهان امروز پرورش خلاقیت یکی از محورهای اساسی نظامهای آموزشی است معلمان نقش بسیار اساسی در رشد و یا سرکوبی خلاقیت دانش آموزان دارند روانشناسان پرورشی معتقدند معلمان می‌توانند شیوه‌های تفکر واگرا و راههای تقویت تواناییهای خلاقانه را به افراد بویژه کودکان و نوجوانان بیاموزند. فرض است که کودکان دارای اشتیاقی ذاتی برای اکتشاف هستند که آموزش باید آنها را تغذیه کند (کفایت، ۱۳۷۳، ص ۱۲) برخی از شیوه‌های آموزش و پرورش خلاقیت عبارتند از:



- تقویت و تشویق قوه تخیل کودکان : کودکان دارای توانایی ذاتی تخیل و تصور بی حد و حصر هستند چنین توانایی در حقیقت بذرهایی خلاقیت کودکان است ( حسن زاده ، ۱۳۸۳ ، ص ۱۵). تخیل یکی از پایه های تفکر خلاق است معلمان و والدین می توانند با اجتناب از پرسش و پاسخ های قالبی و طرح سوالاتی که با " چرا " و " چگونه " شروع می شود به این امر کمک نمایند . مثلا به جای سوال " قوه جاذبه زمین را تعریف کنید ؟ " سوال کند " فکر می کنید اگر قوه جاذبه زمین وجود نداشت چه مشکلاتی برای انسان پیش می آمد. " کودکان خلاق از گنجینه گرانبهایی چون تخیل قوی و... برخوردار هستند( میناکاری ، ۱۳۶۸ ، ص ۷۰).

- ایجاد انگیزه ۲: برای ایجاد انگیزه و تحرک لازم در کودک باید به رشد ویژگیهای مثبتی چون خودباوری ۳ ، خود کارایی ۴ ، خودگردانی ۵ توجه شود( هارتلی ، ۱۳۸۴ ص ۲۰) .

- دادن آزادی ۶ کافی و ایجاد محیطهای انعطاف پذیر ۷: معلم باید درجهت تقویت تفکر خلاق ، دانش آموزان را در طرح سوالات و ارائه پاسخ ها و راه حلها آزاد گذاشته و ضمن دادن آزادی بیان از مشارکت آنان استقبال نماید. بطوری که از حرف زدن نترسیده و مورد تمسخر بی اعتنائی قرار نگیرند. سیستم های آموزشی معلم محور چنین خصوصیتی دارند. هر محیط خشک با انضباط زیاد نیز مانع بروز خلاقیت است. برعکس محیطهای انعطاف پذیر و تا حدودی آزادگذارنده به پرورش استعدادها و خلاقانه کمک شایانی میکند. محیطهای خشک و سخت گیر مانع بروز خلاقیت هستند .

- ایجاد ساختارهای مناسب ۸: شامل ایجاد محیط کلاسی برانگیزاننده خلاقیت مثل محرکهای بصری ، فضای کافی ، نحوه چینش صندلیها ، روش تدریس فعال و اکتشافی ، ایجاد امنیت روانی ، اعتماد کافی به دانش آموز.

- برقراری سیستم پیشنهادات ۹ : بسیاری از نظامهای اداری و واحدهای تولیدی و حتی آموزشی ، پیشرفت خود را مدیون دریافت ، پردازش و کاربرد پیشنهادات عوامل دست اندرکار هستند زیرا آنها بهتر از هرکس دیگر مسائل و مشکلات سیستم را متوجه هستند و قادرند راه حل مناسب ارائه دهند. مسئولین و مربیان آموزشی نباید چنین بیندازند

که کودکان با رشد عقلی ناکافی قادر به درک و حل مشکلات محیطهای آموزشی نیستند باید با ایجاد صندوق و ارائه فرمهای پیشنهادات و برخورد جدی و مشوقانه با نظرات جدید آنان را در بهبود و اصلاح وضع موجود مشارکت داد .

- پذیرش اصل تفاوتها فردی ۱ : دانش آموزان اساسا دارای تواناییها و تمایلات متفاوت هستند فلذا نظام آموزشی و معلم باید به این مهم توجه و انعطاف آموزشی لازم را داشته و متناسب با ظرفیت های افراد در جهت رشد استعدادها از خلاقیت آنان تلاش نماید. هر چه بیشتر در قریحه و استعداد کودکانمان مداخله کنیم ، بیشتر باعث

رکود فعالیتهایی می شویم که مختص آنهاست . ما مایلیم تا معیارهای معمولاً نامناسب خود را در عملکرد آنان دخالت دهیم و این کار نیز غالبا منفی و انتقادآمیز از کار درمی آید ( هارتلی ، ۱۳۸۴ ص ۲۰).

- مشاهده الگوهای رفتاری خلاق: مشاهده یکی از اصول اساسی یادگیری است . لازم است فرصت مشاهده رفتارهای خلاقانه و فیلم های آموزشی مربوط در دسترس قرار گیرد .

- استفاده از روش سیال سازی ذهن یا بارش مغزی ۲ : این تکنیک حل مسئله را که معطوف به استفاده از روش تفکر واگراست نخستین بار دکتر الکس ، اس ، ازبورن (۱۹۶۳) مطرح کرد و چنان مورد استفاده و استقبال مردم قرار گرفته که جزئی از زندگی آنها شده است (بیدختی و انوری، ص ۵). روش بارش مغزی مناسب گروه است تا فرد . دوبرین ۳ (۱۹۹۷) معتقد است مهم ترین روش بهبود جریان خلاقیت بارش مغزی است چون به افراد فرصت می دهد تا در جو آرام اندیشه نمایند و با مدنظر قرار دادن ابعاد مختلف موضوع ، ایده خود را آزادانه و به دور از هرگونه محدودیت مطرح سازند ( سیدعامری ، ۱۳۸۱ ، ص ۱۱۰). با کاربرستن این روش که مبتنی بر ارائه پاسخهای واگراست امکان رشد و بروز قوه تخیل و خلاقیت دانش آموزان فراهم می گردد. در این روش تراوشات ذهنی و پاسخهای ممکن و حتی عجیب و غلط افراد مورد توجه قرار گرفته و مورد قضاوت نخواهند بود. دکتر الکس ، اس ، ازبورن (۱۹۶۳) روش بارش مغزی را چنین تعریف کرده است " اجرای یک تکنیک گردهمایی که از طریق آن گروهی می کوشند راه حلی برای یک مسئله بخصوص با انباشتن تمام ایده هایی که در جا به وسیله اعضاء ارائه میگردد بیابند. در این روش هیچ انتقادی صورت

نمی گیرد و به هر ایده هر چند نامربوط روی خوش نشان داده می شود. هر چه ایده ارائه شده بیشتر باشد بهتر خواهد بود. در نهایت تمام ایده های ارائه شده مورد توجه و مورد تجزیه و تحلیل قرار می گیرند. بطور خلاصه می توان گفت سیال سازی ذهن از چهار اصل یا قانون پیروی می کند که عبارتند از: عدم داوری، عدم توجه به قواعد معمول، ارائه راه حل های بسیار و استفاده از خلاقیت های دیگران (هارتلی، ۱۹۸۸، ص ۵۲۳). از برون تاکید دارد در واقع جلسات بارش مغزی، موقعیتی فراهم می کند تا افراد برای مدتی از یک امنیت روانی و آزادی برخوردار شده و بدون نگرانی از ارزیابی بیرونی و تحقیر دیگران به ابراز وجود بپردازند (حسن زاده، ۱۳۸۳، ص ۸۷).

استفاده از روش خیالپردازی یا هم اندیشی غیرمستقیم ۴: در این روش اعضای گروه مثلا دانش آموزان به ارائه تخیلات آزادانه خود تشویق می شوند و در نتیجه با ترکیب ایده های مختلف و حتی نامتجانس ارائه شده، ایده ها و نظرات جدید و جالبی ظاهر می شود. روانشناسی بنام گوردون در سال ۱۹۶۱ این روش را ابداع کرد. از واژه یونانی سیناپتیک ۱ به معنی پیوند اعضای متفاوت و ظاهرا بی ارتباط با یکدیگر برای توضیح این روش استفاده می شود.

استفاده از روش تفکر موازی ۲: جریان معمولی تفکر مثل حفر یک گودال است که با افزایش دانش، عمق آن زیاد می شود بدون اینکه فضای کافی برای دیدن اطراف وجود داشته باشد در روش تفکر موازی امکان دیدن اطراف و فضای جدید هم وجود دارد ایجاد یک اندیشه واسطه ای و پیوند تصادفی از جمله راه های بروز خلاقیت محسوب می شوند. ادوارد دوبونو واضع این نظریه است. استفاده از روش دلفی ۳: این روش توسط دالکی و همکارانش در سال ۱۹۵۰ معرفی و اخیرا مورد توجه بیشتر واقع گردیده است (سیدعامری، ۱۳۸۱، ص ۱۱۱). فرض است در شرایط آموزشی جمعی مانند کلاس درس، دانش آموزان با همدیگر رودر بایستی داشته و تا حدود زیادی از ابراز صریح، بدون سانسور، جدید و خلاقانه نظرات خودداری می نمایند فلذا برای اصلاح و بهبود این شرایط مراحل پیشنهادی می شود که عبارتند از:

۱- هردانش آموز نظرات و راه حل خود را به شکل مخفیانه می نویسد. ۲- نظرات داده شده به معلم ارجاع می گردد.

۳- مجددا نظرات اعضاء بدون اینکه شناخته شود به تمامی افراد منعکس می گردد.

۴- هر یک از دانش آموزان در باره نظرات همکلاسیها اظهار نظر کرده و همچنین در باره ایده های جدیدی که احتمالا پس از اطلاع از نظر دیگران بوجود آمده اظهار نظر می کنند.

۵- مراحل ۳ و ۴ آنقدر تکرار می گردد تا اتفاق آراء حاصل و نهایتا نظرات موجود پالایش و دیدگاه های مقبول بدست آید.

اجازه ابراز شوخ طبعی ۴: دوبونو می گوید "من دقیقا و بطور بی پروا اعتقاد دارم که شوخی از کارکردهای بسیار مهم ذهن آدمی بوده و بیش از عامل دیگر، موجب سازمان ذهنی خود سامان ده و ادراک می شود" (قاسمی، ۱۳۸۶، ص ۲۸). شوخی و شوخ طبعی اساسا خلاق بوده و خود تسهیل کننده خلاقیت بیشتر است. ریشه این اثر در توانایی فرد شوخ طبع در دید متفاوتی است که از خود و دیگران دارد. پژوهش های اولیه ویلیام جی - جی - گوردون و همکارانش در روش سینکتیکز موبد این حقیقت است که راه حل های بدیع و سدشکنانه همواره با نوعی بازی و شوخ طبعی همراه بوده است. به نظر میرسد پرورش شوخ طبعی قبل از آنکه ماهیت آموزشی و کلاسی داشته باشد صبغه پرورشی و فرهنگی دارد لکن در کلاس درس و محیط خانواده روش معلمان و والدین می تواند آنرا تأیید یا نفی کند. جهت تقویت این توانایی در کودکان فقط کافی است والدین و معلمان خندیدن و شاد بودن را طبیعی و مقبول بشمارند. در صورت مثبت بودن نتیجه، نه تنها آثار درمانی بلکه ایجاد جو سالم در بین گروهها بر آن مترتب است (تورنس، ۱۹۷۹، ص ۲۴۵). گتزلز و جکسون (۱۹۶۲) طی تحقیقات مفصل خود در مورد تفاوت شخصیتی دانش آموزان باهوش و خلاق به این نتیجه مهم دست یافتند که بزرگترین تفاوت دو گروه در الویت دادن به صفت شوخ طبعی در یک لیست صفات بوده است بطوریکه افراد خلاق شوخ طبعی را جزو رتبه سوم صفاتی که می خواهند داشته باشند ذکر می کنند در حالیکه افراد دارای هوشبهر عالی آنرا در رتبه نهم صفات مورد علاقه جای داده بودند (میناکاری، ۱۳۶۸، ص ۷۴). شوخ طبعی بعنوان نماد نشاط روانی در جهت تقویت خلاقیت

عمل می کند و با داشتن روحیه غمگین نمی توانیم انتظار خلاقیت داشته باشیم . در هر حال حزن و اندوه که از علائم افسردگی هستند مانع بروز خلاقیت است . بقول معروف ” کی شعر تر انگیزد خاطر که حزین باشد . ”

## نتیجه گیری

هیچ چیز سودمندتر و باشکوهتر از این نیست که ایده ی جدید و ثمربخشی اهداف شما را برآورده سازد خلق فکر ، ایده و مفاهیم نو همواره اساس اختراعات ، اکتشافات و پیدایش راههای مناسب برای حل مسائل و مشکلات در زندگی انسان به شمار می آیند . جوامع پیشرفته و متمدن گذشته و حال پیوسته به ارزش و اهمیت این جنبه از تواناییها ی ذهنی و فکری انسان توجه نموده و در صدد تقویت آن برآمده و از این طریق به توسعه ، رفاه ، ترقی و خوشبختی نائل آمده اند. چراکه بقول ارسطو ” ابتکار یگانه عامل موثر در پیشرفت انسان به شمار می آید بنابراین مهم و ضروری است که به این امر در مسئله تعلیم و تربیت توجه ویژه شود و به پیشنهاداتی که در ادامه به آنها اشاره میشود جامعه عمل پوشاند امیدوارم این مطالعه این مقاله بتواند گامی در جهت پیشرفت و توجه به این مهم و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بردارد.

الف : پیشنهادات کاربردی

- لزوم بازنگری محتوی مواد آموزشی و روشهای یادگیری مبتنی بر حمایت از خلاقیت دانش آموزان

- برنامه ریزی برجسته شدن اهمیت پرورش خلاقیت به جای اهمیت موفقیت صرف تحصیلی

- تجدید نظر در اهداف سازمان ملی پرورش استعدادهای درخشان که معطوف به رشد خلاقیت باشد.

- برنامه ریزی برای تغییر نگرش معلمان و مدیران مدارس در جهت پرورش خلاقیت دانش آموزان .

- برنامه ریزی برای گزینش و بکارگیری معلمان دارای استعدادهای خلاقانه .

- برگزاری دوره های کوتاه مدت آموزش فعال و مشارکتی دانش آموز محور برای معلمان .

- احترام گذاشتن به نظرات و پیشنهادات معلمان و جلب مشارکت فعال آنان در بهبود سیستم .

- ایجاد واحد ” تحقیق و توسعه خلاقیت ” در سازمانهای آموزش و پرورش .

- برگزاری مسابقات و جشنواره های محلی و کشوری سالیانه دستاورد ایده های خلاق دانش آموزان.

- ارائه آموزشهای مستقیم و غیر مستقیم شیوه های فرزند پروری والدین در جهت حمایت از خلاقیت .

- ایجاد فضای مناسب گرایشات شغلی جوانان خلاق و علاقمند جهت حرفه معلمی .

-تجدید نظر در سیستم گزینش معلمان براساس ویژگیهای شخصیتی مناسب .

### منابع

- ۱- بنی جمالی، شکوه السادات و احدی، حسن. بهداشت روانی و عقب ماندگی ذهنی، انتشارات نشرنی، ۱۳۷۰. ۲- برونو، فرانکو. فرهنگ توصیفی روانشناسی، ترجمه مهشید یاسائی و فرزانه طاهری، انتشارات طرح نو، ۱۳۷۰. ۳- تورنس، ئی پال. استعدادها و مهارتهای خلاقیت، مترجم دکتر حسن قاسم زاده، نشر دنیای نو، ۱۳۷۲. ۴- حاجی دخت، بهاره. بررسی ارتباط فرهنگ سازمانی و خلاقیت مدیران متوسطه دخترانه ارومیه. ۱۳۸۷
- ۵- حسینی، افضل السادات، ماهیت خلاقیت و شیوه های پرورش آن. شرکت به نشر، انتشارات آستان قدس رضوی، ۱۳۷۸. ۶- حسن زاده، فریبا. بررسی توصیفی تاثیر آموزش بارش مغزی بر خلاقیت، ۱۳۸۳. ۷- شوستروم، اورت. روانشناسی انسان سلطه جو، ترجمه غلامعلی سرمد و قاسم قاضی، نشر سپر، ۱۳۶۲. ۸- فرخ مهر، حسین، پرورش تفکر در کلاس درس. تهران نشر عابد، ۱۳۸۴
- ۹- کفایت، محمد. بررسی ارتباط شیوه ها و نگرشهای فرزند پروری با خلاقیت دانش آموزان سال اول دبیرستانهای اهواز، ۱۳۷۳. ۱۰- موید نیا، فریبا. بررسی انگیزه نوآوری معلمان و ارتباط ساختار سازمانی مدرسه در مدارس دخترانه شهرستان خوی، ۱۳۸۴. ۱۱- محبی عظیم، اسماعیلی، مجید تدریس و ارزشیابی با رویکرد فرایند محور. تهران نشر آزمون نوین، ۱۳۸۵. ۱۲- هارتلی بروئر، الیزابت. (۱۳۸۴). ایجاد انگیزه در کودکان، مترجم احمد ناهیدی، انتشارات جوانه رشد،
- ۱۳- همتی، امیر، بررسی تطبیقی موانع شخصی خلاقیت از دیدگاه دبیران مرد و زن ناحیه ۲ شهر ارومیه، ۱۳۸۷. ۱۴- قاسمی، علی، نگاهی به تاثیر روشهای تدریس سنتی و پیشرفته در خلاقیت دانش آموزان، ۱۳۸۱
- ۱۵- طالب زاده، عباس. خلاقیت و نوآوری در افراد و سازمان ها، ماهنامه علمی - آموزشی تدبیر، سال پانزدهم، شماره، ۱۳۸۵. ۱۶- محبی عظیم، اسماعیلی، مجید تدریس و ارزشیابی با رویکرد فرایند محور. تهران نشر آزمون نوین، ۱۳۸۵





دانشگاه هرمزگان  
Hermetic University

دهمین همایش ملی



موسسه ملی روانشناسی و روانپزشکی  
انجمن روانشناسان ایران  
شعبه ملی، ۱۳۸۵-۱۳۸۶

تازه های روانشناسی مثبت



Sponsored and indexed by  
**CIVILICA**  
We Respect The Science



دهمین همایش ملی



# تازه های روانشناسی مثبت

